امروز بامولانا

برش

چنین، هرکسس از هرجا آمده بودند. اما از ایشان - از مردان - هرگز به سرزمین

تاریک بود. که آسمان خود گریخته بود کـه ماه پنهان

ر. شده، که ابر میبارد. و جز آذرخشی چند، و جز

یک خبر ایک نگاه

دلها پراندوه؛ که آسـ

کے دو صد لعنت ہے آن تقلید باد خشے ابراھیے با بر آفلان





عادات غلط وناهنجاري اجتماعي تابعه

اجتماعی،احترام می گذارند.این نوع زندگی به طور قطع، به نفع خود مردم تمام می شعود زیرا مردم

با هر سليقه و عادتي كه باشند، ملزم به رعايت

موازین اجتماعی هستند. این پایبندیها، از بروز موازین اجتماعی هستند. این پایبندیها، از بروز هر گونه ناهنجاری در جامعه، تاحدامکان جلوگیری می کند. امابرای یک اتفاق خوب، قطعانیاز به تعامل

برای شکل گیری یک جامعه پویا حضور مردم و

نهادهای مختلف و داشتن نقشه را و تبیین مسائل مورد نیاز الزامی است. برای به وجود آمدن عرف و

قاعده در جامعه نیاز بههمراهی همه افراد جامعه

است حتى كسانى كه به هيچوجه در معادلات يك

خوداین که وقتی خواستم از خودم انتقاد کنم، انتقادی به ذهنم نیامد یا اگر آمد، توجیه آن هم

همراهش آمد، مي تواند نخســـتين انتقاد بآشد. م گفتم این که در زندگی، زیاد به نزدیکانت توجه نــدارى خودش يَك انتقاد اســت اما هنوز فكرم تمام نُشده بود، توجيهاش كسردم: زندگُىهاى کنونی اینجوری اند و کاریش نمی توان کر د. تازه

کنونی اینجوریاند کاریش نمی توان کرد تازه ا اگر می خواهی کتاب بخوانی، خبرها را دنبال کنی چیزی بنویسی، و گراههای آز این دست زمانی نمی ماند که بخواهی اینسور و آنور بروی یا حتی در خانه بازی رویجات بنشینی تلویزیون نگاه کنیا را قتم سراغ موردی دیگر که چرا ۲ مسال پیش، دنیگر که چرا ۲ مسال پیش، دنیگر که چرا ۲ مسال پیش، دنیگر که چرا ۲ مسال پیش، دیگر که چرا ته سروزی را بخاطر می میازدنیچه

حــل نکــردن تمریــن، یک سیلیزدی و همین چند روز

بیش بود کـه در فیس بوک

پیدایت کردوشماره همراهت را گرفت و زنگ زد و پس از

كُلى َخوشُوبش، گُلايهُ الى همُ كردو گفت، أقا يادت هست

که یک سیلی به من زدی؟ و توالبته یادت نبوداما هیچ

ده یک سسیلی به من زدی: و تو البته یسادت نبود اما هیچ شکی هم نداشستی که دارد راسست می گوید. گفتم خب این خودش یک انتقاد است؛

توجيه زودتر ازخودانتقادي، به ذهن مي آيد

انسان است كه انسان را مىسازدنىمساعتهمسخنى بافولادوند،اثرىبر توگذاشت

كەشايدخواندن چندين كتاب

نگذارد. دیداروهمسخنی با بزرگان بی گمان انگیز مبخش

و آموزندهاستو توانسانی

رازدستمده.این یکیرا همدیگر توجیهمکن.حقیا

ناحق،فرقی،نمیکنددردستور زندگیاتبگذارش

در خُودفرورفته ۗ ای.فرص دیداربااهلاندیشهوفرهنگ

مهدىبهلولى

عادت سوار خودرومی شوم و کمربندم رانمی بندم، قصد کشتن خودم و بر هم زدن آر امش یک جامعه را می کنچ بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی مربوط ندگی در حال گذر است. هر اتفاق در این دنیا، طی می کند، کاری هم ندارد که چه کسانی امروز

به عادتهای غلطی است که در طـول زندگی، همراه ما است. ناملایمتهـای اجتماعی عموما از مجاری ای وارد می شود که هیچ کدام از ما آن را باوریا از آن اطلاع نداریم امایک معضل اجتماع زمانی شکل می گیرد که انباشتی از رفتارهای ریزو درشت به صورت منفی در کنار هم قرار گیرد که این میان عادت های اشتباه ما که بر گرفته از آموزههایی

اشتباهاست،سهمبیشتریدارد. در کشورهای توسعه یافته معمولامر دم هر عادتی

امروز به چی فکر می کنی؟

نگاهی به الزامات نظام آموزشی

وب و چه بـــدرخ دهد، ه

طی می تند، داری هم ندارد که چه نسانی امرور هستند و چه کســانی نیســتند. زندگی ما آدمها تشکیل شده اســت از عادتهایی که با آن هر روز

راشب و هر شب را روز می کنیم امانکته مورد

نُوجه اين است كه زندگي بابعضي عادتها، به چُه

روُز گاری دچارمان می کند و بر مسیر زندگیمان،

چه تاثیری می گذارد. بسیاری از ما با کم توجهی و داشتن عادتهای غلط، به شرایط بدو نامناسب



در هر جامعه نیازهایی وجود دارد که توسط متولیان امـور و تصمیمگیران جامعـه، مهیا ت. خوراکی که مردم را به خُود جذب کند پ حدی صد و خیرستررست هر طیف یا هر سنی احتیاج دارد که کتابهای مربوط به خود را بشناست تا بتواند آن را تهیه و مطالعه کند. کسانی که حتی، در شهرهای ما

می شــود. ســوال مهم در این میان، این اســ که مین میلاد هی - اینه در که مسئولان هر جامعه، نسبت به نیازهای جامعهاش چقدر آشنایی دارند و برای تأمین آن قدم بر می دارند؛ یا تا چه حد با مشکلات و معضلات درون جامعه آشنا هستند؟ بهنظر ی رسد مشکل کنونی جامعه میزان آشنایی و آگاهی مسئولان و حُتی مردم با این موضوعات . سبی مسنودن و حتی مردم با این موضوعات است تا همه بتوانیم، پیس از این اشخایی، پرداخت خوبی به این کاستیها داشته باشیم. یکی از مهم ترین مساللی که پایید در جامعه رواج داشته باشد، استفاده از تغذیه مناسب است خداک که داد. و سالمتی مردم را نیز تأمین کند. بخشی از این تغذیه، تغذیه معنوی است. در این زمینه، این تغذیه، تغذیه معنوی است. در این زمینه، کتاب، از موضوعاتی است که مسردم باید با آن نس بگیرند و به آن اهمیت ویژهای بدهند. اگر سـازوکار معرفی کتــاب را در جامعه خودمان نظاره کنیم، متوجه می شویم که این روند، تا چه حدی کند و غیرسازنده است. مخاطب از

كتابمىخوانند،بسيارى از مواقع از چاپ وورود کتابهای مور د علاقه خود، بے اطلاع هــ این ناتوانی ارتباطی به خُوبی حس می شـود. آموزش و پرورش موظف اسـت که در مدارس را رر کاربر کی از کردگان به روی کتابهای غیردرسی باز کند تا کودکان ما در حین عبور از مقاطع مختلف تحصیلی و خوانُدن کتابهاُی درسی،اطلاعات دیگری هم داشته باشند.این موضوع اثر مستقیم خود را در جامعه مي گذارد. موضوع تاسف آور، اين استُ كهُ بسیاری از مدارس ما کتابخانه ندارند. چهرسد . . . رق ر ر ر ر . برنامــهای بــرای معرفی کتابهای غیردرســی! ر بنابراین در این زمینه، احتیاج مبرم به تحول نظام آموزشی کشور داریم. باید به جنبههای ت اجتماعی، نگاهی بیندازیم. باید مشکلات مکانهای آموزشی را حل کنیم. باید به وضع معلمان نگاهی بیندازیم و مشکلاتشان . بر ع ب ب بی دی ... را حل کنیم. آنها ســـتونهای جامعه و مدیران فردای ما را میسازند مهم است که آنها بتوانند

به فرزندان ما، بهتریس آموزشها را ارایه دهند. بسیاری از مسئولان آموزشی کشور بر این عقیده هستند که کتابهای غیردرسی باعث

... دوری دانش آموزان از کتابهای درسی می شود در صورتی که این گونه نیست. ما باید بستری

را ایجاد کنیم کسه در زمان آموزش بچهها، تمام ظرفیت ذهنی شان به مطالب درسی اختصاص

بیدانکند.اگر این اتفاق به وقوع بیبوندد، تاز ه اول

... راه است و متوجه می شویم خلأهای کودکان ما و نظام آموزشی ما، کجاهستند.

نادرست جاگرفته در وجودت نه رخدادی که در گذشته بوده و تمام شده و رفته پی کارش و اکنون هم دیگر قبولش نداری او همین جور که داشتم به انتقاداز خود می اندیشیدم توجیه هر کدام هم همراهش بود-و البته گاهی توجیه، پیش از ... خودانتقاد به ذهنم میرسید! راستش هنوز هم نمیدانم حق با کدام اســت و انتقادها وار دبودند

نشده بود که توجیهاش آمد: بابا این مال ۱۰سال

فولادوندرا دیدم. نخستین بار بود که این مترجم ود دوندرا دیدم. تحسین بار بود ته این سرجم چیره دست سرشناس را از نزدیک می دیدم. فرصتی شد و با یکی از دوستان، نیم ساعتی با

ما با جمع آوری و بکار گیری نیروهای متخصص در مسائل شهری و با کمک و همراهی همه اقشار جامعه می توانیسم موازینسی را تصویب کنیم که ت ببرند. در مسائل شهری یکی از مهم ترین موضوعات، گرفتن حق کسانی است که هسر روز بر اثر بی نظمی اجتماعی که در شسهر وجود دارد، حقشان پایمال میشود، کسانی که به قول معروف زورشان نمى رسد حق خود را استيفا كُنند بايد به أنها كمك كسرد الحرما قوانين مان را بهخوبی وضع کنیم بعداز مدتی شاهد پویایی در عرصه اجتماعي ميشويم كه اين امر به نفع همه

گفتم از انسانهای بزرگ روزگارمان، که شاید چندانهم دوراز دسترس نباشند، غافل مانده ای. انسان است که انسان را می سازد. نیمساعت

همسخنی،افولادوند،اثری بر تو گذاشت که شاید خواندن چندین کتاب نگذار د.

حواس چندین کتابحدارد. دیدار و همسخنی بیا بیز گان، بی گمان آنگیزمبخش و آموزنده است و تو انسانی «درخود فرورفتهای فروست دیدار با اهل آندیشیه و فرهنگ را از دست مده این یکسی را هم دیگر توجیه مکن حق یا ناحق، فرقسی نمی کند در

ستورزندگی اتبگذارش. پس تا اینجا شد دو تا انتقاد. یکی این که توجیه هر انتقادی را دارم و دیگری این که کمتر شده که پیگیر دیدار با انسانهای برجسته باشم و برایش برنامه ریےزی کنی اما

انتقاد ســوم. كاش نوشتن را زودتر آغاز مىكردم تا اكنون

حرفهٔای تر بودم. البته از شما چه پنهان، کـه ترجمههایی

هـم دارم، بیشــتر در زمینه

آموزش و پسرورش تطبیقی روز جهان و کاش که بیشستر

رررجمه کنــم. در نوشــتن و ترجمه و اندیشــیدن اســت

ر ... ر ... ک کے زندگی خےودرابامعنا مییاب، آموزش ویےرورش ایےران، بی گمان، با فقر

" رق بی اندیشه و تئوری روبهروست. بارها شده که برنامهای را

در گوشـهای از جهـان اجرا

كردهاند وفرادسيتان آموزش

و پرورش کشـور هم آن را اُورده و در اینجا پیّاده کردهاند اما مـا از پیامدهای آن بی خبـر بوده و هسـتیم، این ماالبته بیشـتر به کسـانی چون

سسيه، برمی گردند که می کوشسيم آموزش پرورش را اقد کنیم، بی گمان، آشنایی با زبان است که ما را از لاک خویش بیرون می آورد. کاش زبان انگلیسی بیشتری می دانستم و کلش

در یادگیری آن و ترجمههای بیشــتر، کوشش بیشتری می کردم. اگرچه بسا که این روزها عذر م موجه باشــد و آرین ۱۴،۱۳ ماهــه ام نمی گذارد

که در خانه چندان کتابی بخوانی، یا بر جستاری تمرکز کنــمو آن را به فارســی بر گردانم. آیااین

· خن واپســین و پای آرین را به میــان آوردن،

ے رہے۔۔۔رہے دربہ میساں اور دن۔ خــودش توجیھــی بــر همـــه انتقادهـــای بالا نبود؟!

انتقاد،

PA

ایشان، مردان، مردان بیسین سردن عرفن ایسران،بادل خبود،بادل خود، بیا دل اندوهنار خود

ی ر.. میتوانیم؟ که کمانهامان

می در ۱۰۰۰ شکسته، تیرهامان بینشان خـورده، و بازوهایمـان

چنین بود. زیرا که ایشـــان از جنگ دراز آمــده بودند.

که جنگ درازشان سخت بود. کمه تیرانداز از تیر، و

کماندار از کمان پیدانبود و سرزمینهای دور دُور اَمُده بودند. از سرزمینی

ت. ورراست و

سررمینی عور حور می انکه کمندهاش سخت که کمان خوب دارد، یا آنکه کمندهاش سخت تابیده از آنجا که برش چهارگونــه باد می وزد،

یا دشتنی که درش پرآبتریسن رود می رود. و

مر مرا تقلیدشان بر باد داد

خاصه تقليد چنين بىحاصلان

آذُرُخشُیچند،هیچروشُنی بر جنگ و مرد جنگ نبود. و چگونه از زمین سرخ گیاه سبزاز زمین سرخ نرســت و درخت ـ گل سرخ سیاه شد. و هر مرد گیاهی توفان رده بود کش پاک ریشه خشکیده ... برشى از كتاب «آرش,»

خودانتقادى

برنامهريزي براي مشاركت اقتصادي زنان

جز آذرخشی چند بهرام بیضایی|

زنان شاغل دارای فرزند زیر هفتسال خبر داده

ر بی رک بری ریز است: او ضمن این که از نرخ مشارکت اقتصادی زنان و درآمد اقتصادی پایین آنها گلایه کرده، گفته که بایدبرای این مواردبرنامه ریزی های جدی

توجه مولاور دی به اشتغال زنان پس از قوانینی که در چند سال گذشته در مورد کنار گذاشتن زنان از فضای کار و دور کاری آنها مورد بحث بود، در حوزه کارآفرینی و اقتصاد هستند و به همین

معاون امور بانوان ریاستجمهوری در سفری که 💎 منظور لازم است طرح ضربتی آموزش با همکاری مراكــُز آمُوزشــگاهي،معاونت ریاست جمهوری و سایر سازمانهای مربوطه صورت گیسرد، اما تقلیل حداکشر تا یک چهارم ساعت کاری زنان به بهانه های مختلفی چون داشتن فرزند زیر هفت سال یا همسر و فرزندان معلول درست است که بخشی از آنها را در محیط کاری نگاه می دار داما می تواند مدیران شرکتهای نند سیرایی زنان را نادیده می گیرند و منتظر بهانهای هستند تاحقوق آنها را که درحال حاضر نیز اغلب کمتر از مردانی در همان جایگاهاست، کاهش دهند.







